

و شکاف بین منابع کمیسیون اروپا و اقتدار سیاسی شورای اروپا را کم کند. اما به سختی می‌توان یک شرکت چندملیتی را تصور کرد که سهم قابل توجهی از قیمت بورس و اعتبارش را از دست داده باشد و تلاش کند به سهامداران خود بقبولاند که راهبرد دهه گذشته آن همچنان معتبر است. شاید زمان فراموش کردن برخی از درس‌های دهه ۱۹۹۰ فرارسیده باشد.

شش معضل جدید

تصمیم رئیس شورای اروپا، هرمان ون رومپوی، درباره بحث در ماه دسامبر درباره مسائل دفاعی در شورای اروپا باعث برانگیخته شدن تفرکات راهبردی در بروکسل و در برخی از

ظهور پدیدار شده‌اند: اقتصاد چین دو برابر شده است، سرمایه‌داری استبدادی به کالایی پرتفردار تبدیل شده بود و از حلقه دوحه تا تغییرات آب و هوایی و سوریه، نظرات اروپا نادیده گرفته می‌شد. در بسیاری از پایتخت‌ها، بحث مغرورانه "تعادل" با ایالات متحده راه را برای اضطراب درباره "محوری" و سقوط آمریکا باز کرده است.

در همین حال، شهروندان اروپایی قانون اساسی و این فرض آن یعنی "اتحاد بیشتر" را رد کردند. با دو برابر شدن اندازه اتحادیه اروپا همبستگی از بین رفت، بحران باعث رویارویی بدهکاران با وام‌دهندگان شد، ناامنی اقتصادی عدم تحمل به بار آورد و تفاوت راهبردی بین کسانی که نگاهشان به شرق یا به جنوب بود یا بین کسانی که نگاهشان به درون یا به بیرون بود تشدید شد. بودجه‌های دفاعی معلق ماندند، قابلیت‌ها کوچک شدند، هزینه‌های تحقیق و توسعه به نصف کاهش یافت و صحبت از "ادغام و به اشتراک‌گذاری" برای همه، سطح همکاری‌های دفاعی تقلیل یافت. در سال ۲۰۰۳، فرانسه ۱ و لین مداخله نظامی اتحادیه اروپا، عملیات آرمیس را در جمهوری دموکراتیک کنگو رهبری کرد که منجر به ایجاد واحدهای نظامی اتحادیه اروپا شد. ده سال بعد، اتحادیه اروپا و واحدهای نظامی‌اش وقتی فرانسه [به‌تنهایی] در مالی مداخله کرد نادیده گرفته شد.

اروپا در دهه گذشته در توسعه سیاست خارجی موثر و منسجمی پیشرفت‌هایی داشته است. بسیاری از اختلافات در میان اروپایی‌ها کم شده است. کشورهایمانند فرانسه که عموماً به رابطه دوسوی اقیانوس اطلس شک و تردید داشتند اکنون از کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی و فعال‌ترین عضو ناتو است. آلمان و لهستان دیگر نماینده پارادایم‌های مختلف در سیاست درقبال روسیه نیستند و اروپا اقداماتی برای کاهش وابستگی به انرژی انجام داده است. پیمان لیسبون باعث ایجاد یک وزیر امور خارجه اروپایی و خدمات دیپلماتیک شده است که می‌تواند فاصله

حول آن اروپای قدیم و اروپا جدید، پس از جنگ عراق متحد شده و چارچوب سیاسی ارائه‌شده آن تلاش‌های دفاعی اتحادیه اروپا دنبال می‌شد. در نتیجه، بسیاری از سیاست‌گذاران به شوخی آن را "فرمان مقدس" می‌خواندند. اما اکنون این سند بیشتر از مفید بودنش عمر کرده است: بسیاری از روش‌هایی که برای اروپای بعد از جنگ سرد به خوبی کار می‌کرد، به نظر می‌رسد به‌طور کلی در این عصر انتقال قدرت و بیداری سیاسی در بهترین حالت بی‌فایده و در بدترین حالت غیرسازنده شده‌اند.

در سال ۲۰۰۳، غرب (یعنی ایالات متحده آمریکا و اروپای دنباله‌رو یا حامی) هنوز هم می‌تواند به نحو موجهی ادعا کند که جهان را می‌چرخاند. غرب، به‌عنوان برنده جنگ سرد، هنوز از لحاظ اقتصادی و نظامی فتح‌نشده است و اختلاف بزرگی که اهمیت دارد در دوسوی اقیانوس اطلس بود و نه اقیانوس آرام. همچنین این تفاهم که ارزش‌های گسترده غربی پیروز شده‌اند وجود داشت: لیبرال دموکراسی و اتفاق نظر با واشنگتن چالش‌ناپذیر بود (هرچند آنها چالش‌پذیرند و با مقاومت روبه‌رو شده‌اند) و نزدیک بود سازمان ملل متحد مداخله‌گری لیبرال را در قالب مسئولیتی حمایتی به رسمیت بشناسد. همچنین اروپا احساس اعتماد به نفس می‌کرد: واحد پول جدیدش موفقیت‌آمیز بود، درحال توسعه یک قانون اساسی جدید و ایجاد موسسات سیاست خارجی جدید بود و اولین عملیات امنیتی مشترک و سیاست دفاعی (CSDP) خود را شروع کرده بود.

با این حال، از آن زمان تاکنون، جهان تقریباً فراتر از شناخت تغییر کرده و خوش‌بینی اروپا کاهش یافته است. گزارش سال ۲۰۰۸ راهبرد امنیتی اروپا ادعا می‌کند که هنوز اروپا "لنگر ثبات" است. اما بحران یورو، باعث بی‌اعتمادی آن و موسسات اروپایی شده است و اعتماد به نفس میلیون‌ها اروپایی را با ناامنی جایگزین کرده است. عراق و افغانستان باعث بی‌اعتمادی مداخله‌گری لیبرال برای اکثر اروپایی‌ها شد و "عدم مداخله" دوباره به عنوان هنجار اصلی بازگشته است. اقتصادهای درحال

رهبران

اروپایی باید بر روی

۶ معضلی متمرکز شوند که امروز

اروپا با آنها مواجه است

پا یختهای

کشورهای عضو شد. در

طول سال گذشته، ارزیابی‌هایی

از توان اتحادیه اروپا برای انسجام

[بیشتر] منتشر شد، از جمله گزارشی در

ماه می که توسط چهار اتاق فکر اروپایی،

به دستور وزارت خارجه کشورهای ایتالیا،

لهستان، اسپانیا و سوئد تهیه شده بود. در ماه

اکتبر، سرویس اقدامات خارجی اروپا (EEAS)

گزارشی مقدماتی برای نشست ماه دسامبر

منتشر کرد که در آن استدلال می‌شد که

"بحث و گفت‌وگو درباره توانمندی‌های نظامی